

# **Investigating the social participation of citizens in improving and renovating worn-out urban fabric with an urban design approach. (Case study: District 6 of Kabul)**

Habibollah Rezaei, Dr. Mohammad Ali Tabarsa, Seyed Ali Iqbal

## **Abstract:**

The old tissues of cities are among the tissues that are now suffering from severe physical-spatial deficiencies following the change of biological pattern and the formation of new needs. These bottlenecks and the resulting social and economic consequences have bilaterally reduced the quality of life in the old urban fabric. Physical exhaustion and exhaustion of the social and economic life of the old tissues in a reciprocal relationship has led to the intensification of the stagnation of urban life and the decline of the quality of urban life in most cities. People's participation in all social activities, including planning and urban planning, is something that is accepted in all societies today, which is considered in the above research. The present research is descriptive-analytical. The information required for the above research has been collected by library and field methods.

The purpose of this study is to investigate the social participation of citizens in the improvement and renovation of dilapidated urban fabric through urban design in the sixth district of Kabul, which has been done by collecting information from relevant organizations and observing the current situation in the district.

**Keywords:** Urban Design and Neighbourhood Identity, Worn Texture, Urban Improvement, Social Participation, Sixth District of Kabul

---

**Citation:** Rezaei, H., Tabarsa, M. A., & Iqbal, S. A. (2021). Investigating the social participation of citizens in improving and renovating worn-out urban fabric with an urban design approach. (Case study: District 6 of Kabul). *Journal of Urban Planning and Architecture*, 2(1), 101–117.

\habib4815@gmail.com

## بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری با

رویکرد طراحی شهری (نمونه موردی: ناحیه ششم شهر کابل)

حبیب الله رضایی<sup>۱</sup>، دکتر محمد علی طبرسا<sup>۲</sup>، سید علی اقبال<sup>۳</sup>

۱- ماستر طراحی شهری دانشگاه پیام نور واحد کابل

۲- رئیس پوهنچی هنر و معماری دانشگاه پیام نور، تهران

۳- عضو هیئت علمی دیپارتمنت طراحی شهری دانشگاه پیام نور واحد کابل

### چکیده

بافت‌های قدیمی شهرها از جمله بافت‌هایی هستند که اکنون در پی تغییر الگوی زیست و شکل‌گیری نیازهای جدید، دچار نارسایی‌های کالبدی-فضایی شدیدی گردیده‌اند. این تنگناها و تبعات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن، به گونه‌ای دو سویه موجب پائین آمدن کیفیت زندگی در بافت‌های قدیمی شهری شده است. فرسودگی کالبدی و فرسودگی حیات اجتماعی و اقتصادی بافت‌های قدیم در یک رابطه متقابل به تشدید رکود هرچه بیشتر حیات شهری و تنزل کیفیت زیست شهری در اکثر شهرها منجر گردیده است. مشارکت مردم در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و از جمله برنامه‌ریزی و شهرسازی، امری است که امروزه در تمامی جوامع مورد پذیرش قرار گرفته که در تحقیق فوق مورد توجه قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد، اطلاعات مورد نیاز جهت تحقیق فوق به روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده‌اند.

هدف پژوهش بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری با رویکرد طراحی شهری در ناحیه ششم شهر کابل است که با جمع‌آوری اطلاعات از سازمان‌های مرتبط و مشاهد وضع موجود ناحیه انجام گردیده است.

**واژه‌های کلیدی:** طراحی شهری، هویت محله‌ای، بافت فرسوده، بهسازی شهری، مشارکت اجتماعی، ناحیه

ششم شهر کابل

**استناد:** رضایی، حبیب‌الله، طبرسا، محمد علی و اقبال، سید علی (۱۳۹۹) بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری با رویکرد طراحی شهری (نمونه موردی: ناحیه ششم شهر کابل)، فصلنامه علمی پژوهشی شهرسازی و مهندسی، ۲ (۱)،

۱۱۷-۱۰۱

**مقدمه:**

در مسأله ساماندهی بافت‌های فرسوده، توجه به نقش مردم (رویکرد مشارکتی) برای پیشبرد اهداف بسیار مهم است و در واقع یکی از پیش شرط‌های بنیادین، مشارکت وسیع عموم مردم در تصمیم‌گیری است. مشارکت کامل تنها در جایی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرآیند تهیه طرح بر عهده گیرند. بنابراین مردم با ایجاد ارتباط با همدیگر (مشارکت) دست به کارهای می‌زنند که به تنهایی یا قادر به انجام آن نیستند یا برای انجام آن مشکلات فراوانی خواهند داشت. اما با وجود سرمایه اجتماعی مناسب، می‌توان به جلب مشارکت و همیاری‌های مردمی، هزینه‌های ارائه خدمات و تبادلات و تعاملات مرتبط با مناطق شهری و سازمان‌های شهری مختلف نظیر بازسازی و ساماندهی بافت‌های فرسوده، حفظ و مراقبت از امکانات و تجهیزات شهری، توسعه فضای سبز، پاکیزگی و زیباسازی محلات و به طور کلی هزینه‌های کنترل و نظارت از طریق سلسله مراتب و مقررات بوروکراتیک را در حد قابل توجهی کاهش دهند. سرمایه اجتماعی به واسطه ارتباطش با سایر پدیده‌های بنیادین جامعه نظیر: نظم اجتماعی، آگاهی اجتماعی، رضایت اجتماعی، روابط و تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و ارتقاء حس هویت و تعلق اجتماعی شهروندان در محله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین سرمایه اجتماعی به عنوان یک منبع یا مالکیت جمعی متعلق به محلات، شهرها و روستاها، مناطق و بخش‌ها است که می‌تواند زمینه‌ی رفاه همگانی را فراهم نماید (موسوی وهمکاران، ۱۳۹۱)

موضوع بهسازی شهر کابل در دهه‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است و کم و بیش اقدام‌هایی در این زمینه صورت گرفته است و از آنجایی که در افغانستان مشارکت مردم در طرح‌ها کمتر توجه شده است بنا بر طرح‌ها بدون مشارکت مردم کمتر موفق است و ساحه مورد مطالعه تحقیق کنونی ناحیه ششم شهر کابل بوده؛ میزان مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی ناحیه ششم شهر کابل را مورد مطالعه قرار می‌دهد که این ناحیه جزو نواحی ۲۲ گانه شهر کابل بوده و در قسمت غرب شهر کابل واقع شده است و حدود ۵۰۰۰۰۰ تن جمعیت دارد.

**طرح مسئله**

یکی از بهترین راه‌های بهسازی و نوسازی فضاهای شهری خصوصاً در بافت‌های قدیمی و فرسوده شهری، استفاده از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی همان نواحی و مناطق شهری است. با توجه به اینکه شهروندان از اصلی‌ترین ذی‌نفعان در جریان نوسازی بافت‌های فرسوده هستند ساکنان این نواحی به عنوان سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌شوند و اگر بستر مشارکت آنها در اجرایی‌سازی این برنامه‌ها به کار گرفته نشود و روحیه همکاری‌های اجتماعی، ایجاد بستر خلاقیت و ابتکارات شخصی و استفاده از توانمندی‌های مالی و سرمایه‌ای آنها به میان نیاید اقدامات سازمان‌های دولتی نیز در این زمینه ناقص می‌ماند و نتیجه‌چندانی به دنبال نخواهد داشت

در ساماندهی بافت‌های فرسوده، احیا و نوسازی این بافت‌ها توجه به نقش مردم با رویکرد مشارکتی برای پیشبرد اهداف بسیار مهم است و بنابر این یکی از پیش شرط‌های اساسی، در این زمینه مشارکت وسیع و همگانی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها است. اغلب مشارکت تنها در جایی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرآیند تهیه طرح را بر عهده گیرند (Gangs:1984) و گاهی مردم با ایجاد ارتباط با یکدیگر و خلق فضای مشارکتی دست به کارهای می‌زنند که به تنهایی یا قادر به انجام آن‌ها نیستند یا برای انجام آن دچار مشکلات فراوانی خواهند شد. اما با وجود سرمایه اجتماعی مناسب، می‌توان به جلب مشارکت و همیاری‌های مردمی، هزینه‌های ارائه خدمات و تبادلات و تعاملات مرتبط با مناطق شهری کاهش داد. در مورد نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری می‌توان گفت که بدون شک ساماندهی این گونه بافت‌ها نیازمند مشارکت فعال و مؤثر تمامی اقشار مردم ساکن در بافت‌ها می‌باشد.

موضوع بهسازی شهر کابل در سالهای اخیر مورد توجه مدیران شهری و برنامه ریزان قرار گرفته است و اقدامهایی در این زمینه صورت گرفته است و از آنجایی که در افغانستان مشارکت مردم در طرحها کمتر توجه شده است بنا بر طرحها بدون مشارکت مردم کمتر موفق است. و ساحه مورد مطالعه تحقیق کنونی ناحیه ششم شهر کابل بوده و میزان مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی ناحیه ششم شهر کابل را مورد مطالعه قرار می‌دهد که این ناحیه جزو نواحی ۲۲ گانه شهر کابل بوده و در قسمت غرب شهر کابل واقع شده است و حدود ۵۰۰۰۰۰ تن جمعیت دارد.

### سابقه و پیشینه تحقیق

طرح های بهسازی و نوسازی در شهرهای کلان، از جمله شهر کابل از سال ۱۳۸۲ هـ - ش به بعد شروع شده، اما ضعف در مدیریت و برنامه ریزی، کمبود نیروی متخصص و ماهر، توجه به ظاهر سازی معماری و شهرسازی به جای تعمق در ترویج بناها و کمبود بافتهای اصیل، فقدان برنامه ریزی هویت بخش و کمبود سرمایه گذاری، موجب دور شدن فرهنگ بهسازی و نوسازی شهرنشینی و شهر سازی در افغانستان شد.

کامیلوزیته معمار و شهرساز اتریشی است که مهمترین اثر وی کتاب "هنر ساختن شهرها" است. در این کتاب نویسنده برداشتی کاملا زیبایی شناسانه از شهرهای دوره قرون وسطی و رنسانس دارد. کامیلوزیته که علاقه مند به زیبایی و هماهنگی فضای شهرهای تاریخی بود و در مقایسه شهرهای جدید با شهرهای کهن اعتقاد داشت که شهرهای جدید به علت نظم و ترتیب بیش از حد، یکنواختی شان، به وجود آوردن فضاهای با هویت خاص بی تناسب، نازیبا، و فاقد ارزش های هنری است، ولی می‌توان ابتدال شهر های موجود را با بررسی آثار و بناهای تاریخی در گذشته از میان برد. کامیلوسیتته علاقه مند ساماندهی فضاهای شهرها بود و اعتقاد بر آرایش و نظم فضاهای شهری را از هنر می‌دانست. بر این اساس بود که درصد زنده کردن فضاها و بافت های کهن شهری راه حل های هنری را عنوان نمود و در این زمینه راه حل هایی طرح های تزئینی شهری را بیان کرد (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۸)

در سال ۲۰۰۳ دکتر علی رضا ربیع استاد ایرانی دانشگاه بین المللی ایران در آمریکا در تحقیقی با عنوان "توانمند سازی محله یی، رویکرد جایگزین برای تلفیق سنت و مدیریتیزم در بافت های قدیم شهری" احکام و ضوابط طرح جامع و تفصیلی را به عنوان حکم اعدام بافت های سنتی محله قدیمی عنوان کرد. در ایران نیز دکتر محسن حبیبی در کتاب خود با عنوان "از شار تا شهر" تغییر ساختار شهر ایرانی از دوره قبل از اسلام تا انقلاب اسلامی را تجزیه، تحلیل و بررسی می‌نماید.

### فرضیات

#### فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد میزان مشارکت اجتماعی شهروندان به ویژگی‌های اقتصادی و آگاهی اجتماعی آنان وابسته است و میان ویژگی‌های اقتصادی و آگاهی اجتماعی شهروندان با بهسازی و نوسازی بافت فرسوده رابطه معناداری وجود دارد.

#### فرضیه فرعی

به نظر می‌رسد میان میزان اعتماد اجتماعی افراد و مشارکت آنها در بهسازی و ساماندهی بافت فرسوده رابطه معناداری وجود دارد. به نظر می‌رسد با افزایش مشارکت شهروندان در بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده و سرعت اجرایی سازی این طرح ها، بهبود کیفیت فضایی این بافتها و رضایت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد

**مبانی نظری:****مفهوم بافت شهری:**

بافت شهر، از نظر فیزیکی عبارت است از دانه بندی و درهم تندگی فضاها و عناصر شهری که با توجه به ویژگی های محیط طبیعی، به ویژه توپوگرافی و اقلیم در محدوده شهر یعنی بلوک ها و محله های شهری به طور فشرده یا گسسته و با نظمی خاص جایگزین شده اند (توسلی، ۱۳۶۸: ۵) بافت فرسوده شهری به عرصه هایی از محدوده قانونی شهر ها اطلاق میشود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دست رسی سواره، تسیسات و خدمات زیرساخت های شهری آسب پذیر بوده و ارزش مکانی، مکانی و محیطی نازلی برخوردارند. بافت های فرسوده به سبب فرسودگی در کلیت بایک دیگر وجود مشترک دارند (شفیعی نسب و کلابی، ۱۳۸۶)

**بافتهای فرسوده:**

محدوده های آسیب پذیر شهر، در برابر مخاطرات طبیعی به ویژه زلزله است که نیازمند برنامه ریزی و مداخله هماهنگ برای سامانمایی است. مشخصه این بافتها در مرحله نخست ناپایداری، سپس نفوذ ناپذیری و ریزدانی و سر انجام مجموعه ای از سایر نارسانی های کالبدی، عملکردی، زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی است.

**مشارکت اجتماعی:**

در مفهوم مشارکت اجتماعی بیان شده است: «مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت ارادی، آگاهانه، هدفمند و خودانگیخته افراد و گروهها در فرآیندها و امور اجتماعی جامعه به منظور تسهیل، تسهیم، تسریع امور جامعه و نقش داشتن در کارها، و بهره برداری از نتایج آنها و کمک به اهداف توسعه اجتماعی جامعه» (انصاری، ۱۳۸۳: ۶۲) لوییس کریزبرگ نظریه های متعدد را عنوان کرد که سه منشأ اساسی را برای نارضایتی بیان می کند؛ این سه منشأ از منظر و دیدگاه های متعدد موضوع نارضایتی را بررسی کرده اند، اما احتمالاً بر این نکته مشترک عقیده دارند که منشأ نارضایتی را، که مخرب مشارکت اشخاص است، باید در ارزیابی و نابرابریها ناشی از آن جستجو کرد

این سه نظریه متفاوت را می توان به شرح زیر عنوان کرد:

اولین عقیده، بر اهمیت محرومیت به طور مطلق در افراد و میزان آن تأکید می کند.

عقیده دوم، بر سطوح ناسازگاری بین موقعیت های متفاوتی تأکید می کند که افراد در زندگی اجتماعی خود با آن برخوردار اند. عقیده سوم، به تغییراتی اشاره می کند که در طول زمان در آنچه مردم دارند و آنچه تصور می کنند باید داشته باشند، اتفاق می افتد (کریزبرگ، ۱۹۷۳)

مشارکت اجتماعی سازمان یافته، شامل: فرایندی داوطلبانه، جمعی، آگاهانه، و مبتنی بر اهداف و برنامه مشخصی بوده که به عنوان فعالیتی اقتصادی - اجتماعی در قالب گروهها، انجمن ها، و سازمان های غیردولتی و محلی است.

دلایل متعددی برای مشارکت دادن شهروندان در اداره امور شهرها وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: الف - گسترش ارزشهای فرهنگی که هنجارهای برابری و مردم سالاری را تقویت می کند و به افزایش تقاضای شهروندان برای مشارکت می انجامد.

ب - دگرگونی هایی که در میزان بهره مندی از آموزش و سن و سطح درآمد شهروندان پدید آمده است، هم انگیزه برای مشارکت جوانان تحصیل کرده و متعلق به طبقه متوسط را افزایش داده و هم امکان این مشارکت را بالا برده است.

ج - مشارکت در امور مختلف موجب افزایش کارایی شده است.

د - افزایش پیچیدگی روابط در شهرها، امکان اداره امور انفرادی و آمرانه را از میان برده است.

مشارکت دارای مزیت هایی در زمینه اجتماعی سیاسی طرح ریزی و جز اینهاست. مزیت اصلی مشارکت از دیدگاه اجتماعی، فعال کردن شهروندی است که میل به فردیت و گریز از مسئولیت دارند و در موارد افراطی منزوی و بیگانه می شوند. در فرایند مشارکت روحیه اجتماعی و حس همکاری و تعهد پدید می آید. مشارکت امکان ترفیع، آموزش و تربیت قشر کم درآمد و محروم از قدرت را فراهم می کند و آنان را در اجتماعی وسیع تری به هم می پیوندند. در این اجتماع می توان بر حس محرومیت از قدرت چیره شد و خودیاری و پیشگامی را تحقق بخشید. از دیدگاه طرح ریز، مشارکت امکان مبادله عقاید و اولویتهای، ارزیابی پویای منافع عمومی و قابلیت اجرا و پذیرش پیشنهادهای طرح ریزی را فراهم می کند. از دیدگاه سیاسی مشارکت پشتیبان دموکراسی مشارکتی به جای دموکراسی نمایندگی است و از حق دموکراتیک هر انسان و بدین ترتیب عموم برای شرکت در فرایند تصمیم گیری دفاع میکند. علاوه بر این مشارکت به اعضای شوراها و تصمیم گیران کمک می کند تا تصویر روشن تری از نیازها و خواسته های رای دهندگان یا مردم دیگر به دست آورند. از این طریق می توان حساسیت و تاثیر تصمیم گیری را به حداکثر رساند. شاید مهمترین مزیت مشارکت عمومی این است که مردم مسئولان را به یکدیگر نزدیک تر می کنند و ما را جایگزین من و تو می سازد.

### مفاهیم بهسازی و نوسازی شهری

بهسازی و نوسازی شهری به کلیه اقداماتی که باعث بهبود وضعیت در بافتهای فرسوده می شود گفته می شود. همیشه بازسازی و بهسازی شامل شهرهای تاریخی یا فضاهای قدیمی و بناهای فرسوده نیست گاهی شهرهای جدید هم از این اقدام جدا نیست. مفهوم نوسازی شهری به معنای تجدیدکردن بناهای ساختمانها، تجدید بنای نو، عمل یا فرایند از میان بردن نشانههای خرابی، وازبین بردن ویرانی ها، فرسودگی، با مفهوم دوباره سازی می باشد.

### نوسازی : (renovation)

یا بازسازی، به فرایند بهبود ساختار آسیب دیده، شکسته، یا منسوخ شده عنوان می شود. عملیات بازسازی اغلب در دو فاز تجاری یا مسکونی انجام می شود. در فرایندهای اجتماعی، گاهی بروز رسانی، به نوآوری یا خلق اثری نو می انجامد، که به عنوان مثال، گاهی بازسازی یک جامعه، به تقویت و در نهایت احیاء آن جامعه ختم می شود.

- **نوسازی شهری:** نوسازی شهری به کلیه اقداماتی که به منظور ارتقای حیات شهری صورت می گیرد، گفته می شود.

نوسازی در شهرها، زمانی اتفاق می افتد که فضاهای موجود از کارکردی مؤثر و مناسب برخوردار باشد ولی فرسودگی نسبی کالبدی سبب کاهش بازدهی آن شده باشد. نوسازی با نو شدن و تجدید بنا مترادف است (شماعی و پوراحمد، ۵۰: ۱۳۸۵) نوسازی رانوعی عمل فرهنگی می گویند زیرا سعی در انتقال ارزشهای کالبدی دارد (کردوانی و موردغفاری، ۲۰: ۱۳۹۰) و در نهایت نوسازی، انطباق کردن سازمان کالبدی - فضایی با نیازهای امروزی است (خواجه شاهکویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹)

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از دو شیوه کتابخانه و میدانی استفاده شده است. در بخش کتابخانه ای، به گردآوری اطلاعات توصیفی از کتابها، مقالات، گزارشات و سالنامه های آماری پرداخته شده و در بخش میدانی، گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده، در اوقات مختلف و نظرمتمخصان و مدیران شهری مورد بررسی قرار گرفته است.

## شناخت محدوده مورد مطالعه

## معرفی ناحیه ششم شهر کابل

ناحیه ششم یکی از نواحی کلیدی و پرنفوس شهر کابل بوده و دارای (۲۷۵۰۰۰) تن نفوس و (۵۵۰۰۰) خانواده بوده و از لحاظ موقعیت در ساحه غرب شهر کابل موقعیت دارد. مساحت مجموعی این ناحیه (۴۹,۵) کیلومتر مربع و خانه های پلانی ۲۷۵۰ باب و خانه های غیر پلانی ۲۶۷۲۰ باب و تعداد گذرها ۵۱ گذر است و دارای سرک های عمده چون سرک عمومی دارالامان و سرک (۶۰) متره پل سوخته، دارالامان است. قابل یاد آوری است که تعمیر شورای ملی و لوی حارنوالی (دادستانی کل) از جمله اداری اند که در ساحه ناحیه ششم افزون بر سایر ادارات دولتی در مربوطات این ناحیه موقعیت دارد.

نقشه منطقه مورد مطالعه (ناحیه ششم شهر کابل)



منبع: <https://www.google.com/maps/place>

## ویژگی های عمومی این بافت فرسوده

## کیفیت ابنیه :

بیش از ۸۰ درصد ساختمان ها در این بافت، دارای قدمتی بیش از ۳۰ سال بوده؛ به این معنی که در ۵۰ سال اخیر ساخته شده است، فاقد رعایت استاندارد های فنی امروز هستند. به گونه ای که غیر استاندارد بودن آنها از ظاهر ساختمان قابل تشخیص است. ابنیه این بافت ها عمدتاً تاب مقاومت در مقابل زلزله ای باشدت متوسط و حوادث طبیعی را ندارند.

ابنیه مسکونی واقع در این محلات عمدتاً ریزدانه بوده و مساحت عرصه آن‌ها به طور متوسط کمتر از ۲۰۰ متر مربع می‌باشد. مصالح به کار رفته در این گونه بافت‌ها عمدتاً از انواع خشتی، خشت و آجر، چوب و یا آجر و آهن بدون رعایت اتصالات افقی و عمودی و فاقد سیستم سازه‌ای هستند. اکثر ابنیه در بافت‌های فرسوده این محله یک یا دو طبقه و سه طبقه هستند. اما بعضاً در این اواخر ساختمانهای جدید تاسیس سه تا چهار طبقه و بیشتر معمولاً در کنار جاده عمومی اعمار گردیده است.

وضعیت ظاهری بافت‌های فرسوده این محله به لحاظ برخورداری از خدمات، زیرساخت‌ها و فضاهای باز، سبز و عمومی دچار کمبودهای جدی اند. مداخله در این گونه بافت‌ها از نوع تجمیع و نوسازی خواهد بود.

توسعه فرسودگی و از بین رفتن مرغوبیت محدود بافت‌های شهری و به عبارت ساده‌تر، تنزل رتبه اجتماعی محدوده‌های مزبور در نگاه شهروندان، باعث افزایش خروج افراد اصیل و بومی با توان اقتصادی مطلوب و جایگزینی افرادی با توان اقتصادی پایین‌تر مانند مهاجران و اقشار مبتلا به آسیب اجتماعی نظیر معتمدان و مهاجران بیگانه می‌شوند.

فرسوده‌گی نسبی کالبدی فضای محله مورد مطالعه سبب کاهش بازدهی و کارایی آن شده است. بنابه ضرورت به اقدام نوسازی را می‌نماید که در برگرنده تجدید حیات، انطباق بروز کردن، تبدیل، دگرگونی، حفاظت و احیای تعمیر می‌شود، برای بهبود این محله محسوس می‌گردد که نوسازی صورت گیرد. در بعضی موارد طرح ریزی شهری در سطح بالاتر و کیفیت فرهنگی مطلوب محصول فرعی نوسازی بوده است. در نتیجه برنامه‌های نوسازی شهری منافع بی شماری را در برنامه ریزی شهری به وجود آورده اند.

### مشکلات عمده این ناحیه به قرار زیر است:

عمده ترین مشکلات و علل نابسامانی این محل را میتوان در چند مورد خلاصه کرد:

- ✓ میزان برخورداری و دسترسی باشندگان به خدمات شهری و وضعیت زیرساخت‌های شهری نامناسب است.
  - ✓ بالا بودن مشکلات اجتماعی، زمینه ساز ناهنجاری‌های اجتماعی در این محل گردیده است.
  - ✓ روند کنونی نشانگر آن است که چنانچه تدابیر پیشگیرانه به کار گرفته نشود سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دولت در زمینه نوسازی شهری محله مذکور در مقیاس محدود باقی ماند، در کوتاه مدت و بدون توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی آن، ما شاهد بغرنج شدن شرایط زندگی در این محل مرکز شهر خواهیم شد.
- ۱- نبود سرانه یا احصائیه جدید از محله؛

۲- نبود سرانه‌های خدماتی هماهنگ با فرهنگ کنونی مردم؛

۳- مشکلات اجتماعی از قبل اعتیاد و معضلات اخلاقی، بکاری و...؛

۴- مهاجرت افراد بومی و ساکنان اصیل محله؛

۵- کالبد فرسوده بافت، عدم نوسازی و بهسازی مردم؛

۶- تردد عبور و مرور بیش از حد وسایل نقلیه،

۷- عدم کسب و کار و کم درآمد‌های افراد محله؛



۸- عرضه خدمات پایین و نبود یک سیستم منظم حفظ الصحوی محیطی. مشکلات این محلات شهر را میتوان در گروه عوامل مرتبط زیر خلاصه نمود.

الف: روند رشد سریع جمعیت شهری طی یک دهه اخیر؛

ب: عقب ماندگی رشد اقتصادی شهر و عدم عدالت در توزیع امکانات که موجب بالا رفتن میزان بیکاری و فقر نسبی در این محل شده است.

ج: کم توجهی ارگانهای دولتی و مدیریت شهری به ساحات فرسوده شهر، همچنین عدم چاره اندیشی مناسب برای برون رفت از دور باطل فقر اجتماعی، اقتصادی و فرسودگی کالبدی (فیزیکی) و غافل ماندن از مشارکت خود انگیخته مردم. این ها از جمله عوامل درشت مشکلات این محل می باشد.

عکس: وضعیت موجود



منبع: نگارنده

## بحث و نتیجه گیری

بافت فرسوده شهری به عرصه هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، برخوردار بودن نامناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت های شهری، آسیب پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. به طور کلی کاهش کارایی هر پدیده های، فرسودگی آن را در پی دارد. هنگامی که در محدودهای از شهر، حیات آن به هر علتی رو به رکود می رود، بافت شهری آن محدوده در روند فرسودگی قرار می گیرد علاوه بر آن، با گرایش حرکتی جمعیت شهری ثروتمندتر از بخشهای مرکزی بسیاری از شهرها به سمت حومه، تمرکززدایی تسهیلات کلیدی نیز در آن جهت رو به فزونی می گذارد و ممکن است در نواحی از کار افتاده شهری، حفظ یک محیط شهری مطلوب برای تأمین زندگی سالم دشوار گردد. بنابراین اهمیت شهری، تدریجاً محسوس و آشکار است، مطالعه موضوع در جامعه امروزی کاملاً و احیای مرکز شهرها و به عبارتی بهسازی بافت شهر کابل نیز از این قاعده مستثنی نیست. در حال حاضر عدم توجه به بافت یاد شده با توجه به نقش مؤثر آن در حفظ و احیای کالبد شهر، ضرورت رفع مشکلات آن را در اولویت های مهم مسئولان شهری و علاقه مندان و متخصصین شهرسازی قرار داده است، تا با استفاده از آن گام های مهمی به منظور بهسازی بافت یاد شده برداشته شود.

با توجه به مشاهدات نگارنده، مصالح ساختمانی کلیه کاربریهای حوزه راهبردی ناحیه ششم که لحاظ گردیده می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- از میان ابنیه حوزه راهبردی ناحیه ششم بیشترین سهم (درصد) متعلق به ابنیه ساخته شده از آجر است.

- درصدی از ابنیه حوزه راهبردی ناحیه ششم از مصالح بی دوام ساخته شده اند که بیشترین تعداد آنها در زیر حوزه حاشیه های مستقر گشته اند.

- درصدی از ابنیه حوزه راهبردی دارای اسکلت فلزی، و درصدی از ابنیه دارای اسکلت بتنی، و درصدی نیز از ابنیه ساخته شده از آجر و آهن است.

- درصد کمی از ابنیه ناحیه ششم ساخته شده از مصالح بادوام، درصدی نیز از مصالح نسبتاً بادوام، درصد بیشتر مصالح کم دوام و مصالح بی دوام در حوزه راهبردی است.

امر مشارکت مردم در امور اجرایی، توسعه و عمران بافت های شهری به خصوص ساماندهی بافت های فرسوده شهری که در حال حاضر اهمیت والایی دارد به اعتباری ساده و سهل و بدیهی به نظر می رسد، به نحوی که شاید برخی طرح موضوع را چندان ضروری ندانسته و بر این باور باشند که وجود زمینه های سنتی مشارکت در جامعه و تنها تقویت و پرورش این زمینه ها و احیاناً ایجاد انگیزه های مناسب در عرصه مشارکت کافی باشد. اما تجربه حاکی از آن است که بداهت هر امری نشانه سادگی و سهولت دستیابی به آن نیست و لازمه تحقق آن نیازمند مطالعات وسیع و ایجاد نهادها و تشکل های مردمی و قانونی است. بدون تردید نادیده گرفتن مردم در طرح های عمران شهری از جمله طرح های نوسازی شهری به معنی چشم پوشی از مشارکت مادی و معنوی مردمی خواهد بود که متغیر اصلی این مقوله بوده و چه بسا اگر مردم در تمام مراحل طرح آگاه از جریان امر نباشند، طبیعتاً نسبت به طرح و اتفاقات محیط شهری خویش نیز بی تفاوت خواهند بود.

در خصوص ساماندهی بافت فرسوده شهری با تاکید بر مشارکت مردمی، نشان دادن پایگاه اقتصادی - اجتماعی از افراد قبیل درآمد، شغل، تحصیلات، مدت سکونت در محله بر میزان آنها مشارکت تأثیر دارد و بین آن ها همبستگی مثبت برقرار است. در مطالعه بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری با تاکید بر مشارکت مردمی در ناحیه ششم شهر کابل، راههای جلب مشارکت مردم برای بهسازی شهری آموزش و اطلاع رسانی، کارگاه های مشترک مردم و دولت معتمدین محله و رسانه های گروهی بودند.

## جمع بندی و ارائه پیشنهادها

تاکنون روشهای بسیاری به منظور مشارکت شهروندان در توانمندسازی، ساماندهی بافتهای فرسوده و اداره امور شهرها صورت پذیرفته، اما در عمل مطلوبیت و مقبولیت لازم و فراگیر را نداشته اند و فرآیند مشارکت نهادینه نشده است. دلایل اصلی این معضل (عدم مشارکت شهروندان) می تواند به عواملی مانند نبود تعلق خاطر شهروندان به محل زندگی خود، وجود ضوابط دست و پا گیر دولتی، برخورد بروکراتیک با مشکلات شهری، نبود شفاف سازی فعالیتهای مدیریت شهری و شوراهای شهر برای شهروندان، دولت سالاری حاکم بر شوراها و حاکمیت فرهنگ عرضه محوری به جای تقاضا محوری در رابطه با مردم و دولت و عدم توجه به نیازهای واقعی شهروندان در سطح محلی برگردد.

-بهسازی و نو سازی باید در کل بافت فرسوده شهری و همچنین در سازماندهی فضایی هماهنگ با بقیه ارکان شهر انجام گیرد.

-افزایش جذابیت اراضی بافت فرسوده شهری از طریق نهاد های دولتی برای سرمایه گذاری مداوم فرایند بهسازی و نو سازی بافت فرسوده را سبب می شود.

-از آنجا که قدمت واحد های مسکونی منطقه بافت های فرسوده بالا بوده و مصالح بکار رفته در اسکلت واحد های مسکونی از مصالح کم دوام و نا پایدار است که منجر به ایجاد فضاهای نامناسب و نا زیبا که برای بافت شهری مناسب نیست. لزوم توجه سازمان مسکن و شهر سازی با همیاری و مشارکت منطقه از ضروریات است.

-دادن امتیازات از سوی نهاد های دولتی برای مشارکت کنندگان در جهت احیای بافت های فرسوده شهری -اطلاع رسانی در مورد قوانین مربوط به بهسازی و نو سازی و مشارکت دادن ساکنین این محلات در امورات معرفی شهر وند نمونه از جهت مشارکت در کلیه امور مربوط به احیای بافت های فرسوده .

-در اجرای بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده توجه ویژه به توسعه و تجهیز فضاهای سبز در مقیاس محلات برای زیبا سازی این بافت ها و رغبت ساکنین برای زندگی .

- حذف تدریجی کاربرهای ناسازگار در مرکز شهر که بافت فرسوده شهر محسوب می شوند مانند واحد های کارگاهی از بافت مسکونی و بهره برداری از راسته های تجاری شهر در هنگام نو سازی بافت های فرسوده شهر تدوین ضوابط و مقررات ویژه بافت های فرسوده شهر که به پویایی و زنده شدن این محدوده بیانجامد .

### جهت برطرف شدن این مشکلات و افزایش مشارکت مردمی می توان پیشنهادهای زیر را بیان داشت:

بهترین روش برای بهبود وضع محله و همچنین نوسازی و ساماندهی واحدهای فرسوده در این بافت اعطاء کردن وام و تسهیلات دولتی با شرایط مناسب به ساکنان بافت است.

-ایجاد و افزایش احساس اعتماد بین مردم و مسئولین: جامعه شناسان اعتماد را به عنوان یکی از مهمترین سرمایه های اجتماعی در جامعه بسیار مورد تأکید قرار می دهند. بدون اعتماد میان مردم (با یکدیگر) و مردم و مسئولین، بسیاری از برنامه ها و طرحهای شهری علیرغم صرف هزینه های هنگفت، عقیم و بلا استفاده خواهد ماند و نه تنها گره های از شهر باز نخواهد کرد، بلکه ممکن است به عنوان عاملی مخرب در جهت تضعیف چهره مدیریت شهری در اذهان عموم عمل نماید .

نتایج تحقیق هم بیانگر اعتماد پایین افراد ساکن در محله ششم به بدنه مدیریت شهری (شورای شهر و شهرداری) است. از این رو کاهش اعتماد عمومی ضربهای است که به تدریج دامن سازمان های مختلف از جمله شهرداری را گرفته و در بلندمدت آثار آن جبران ناپذیر خواهد بود. برگرداندن اعتماد و ارتقای آن نیاز به یک برنامه میان مدت و طولانی مدت دارد. زیرا این کاهش اعتماد در طی سالیان دراز ایجاد شده و صرفاً با گذشت زمان و اقدامات فرهنگی و عقیدتی قابل بازگشت است.

-گسترش تبلیغات و فرهنگ سازی در جامعه، صداقت مسئولان با مردم، واگذاری امور به مردم و گسترش نهادهای مردم نهاد، ایجاد روحیه پرسشگری و پاسخگویی در بین مردم و مسئولان، ترویج فرهنگ غنی اسلامی در خصوص گسترش ارتباطات و اعتماد بین افراد می‌تواند تا حدی اعتماد از دست رفته را برگرداند، اما مهمترین راهکاری که می‌توان جهت کاهش این مشکلات و افزایش اعتماد بین مردم و نهادهای مدیریت شهری پیشنهاد کرد:

-تشکیل انجمن‌های محلی و تقویت محله یاری توسط مردم محلی و حمایت مالی و روانی کامل از آنها توسط مدیریت شهری و خود مردم است. همچنین برگزاری جلسات با سازمانهای مختلف شهر در خصوص طرح مشکلات مردم مرتبط به آن سازمان نیز می‌تواند راه حل مناسبی جهت انجام این کار باشد.

-افزایش سطح آگاهی عمومی جامعه و نیز مهارت در مداخله های مؤثر و مطلوب شهروندان: شهروندان بدین طریق از حقوق و مسئولیت های شهروندی خود مطلع شده و دیگر نه به عنوان اعضاء منفعل بلکه به عنوان عملگرایان فعال در شهر زندگی خواهند کرد. از سوی دیگر علت بسیاری از انتقادات و بدبینی های شهروندان ناشی از ضعف در آگاهی از خدمات مدیریت شهری است که با مشارکت تا حدود زیادی این مشکل برطرف خواهد شد.

مهمترین راه پیشنهادی برای افزایش آگاهی مردم فرهنگ سازی و اطلاع رسانی است که در این میان نقش اساسی اقدامات فرهنگی و فرهنگ سازی و اطلاع رسانی توسط رسانه های گروهی بویژه صدا و سیما حائز اهمیت است. صدا و سیما با بررسی و پرداختن به مشکلات بافتهای فرسوده و اطلاع رسانی، میتواند مردم را از ناآگاهی برهاند تا حس کنند احیای بافتهای فرسوده شان یکی از مسایل مهم و غیر قابل اجتناب آنهاست. همچنین در خصوص امتیازات نوسازی و تسهیلات اعطایی نیز توسط رسانه ها اطلاع رسانی شود. اطلاع رسانی توسط رسانه ها به مردم در خصوص مصوبات شورای شهر و جزئیات قانون و تسهیلات و امتیازهای نوسازی توسط مردم و اینکه حضور داشتن در این بافتها برای آنها یک فرصت و امتیاز محسوب می‌شود با استفاده از این تسهیلات جهت نوسازی مکان زندگی خود اقدام نماید. لذا هرچه شهروندان، شهر خود را بهتر بشناسند، با مسایل آن بهتر رفتار خواهند کرد. در کل می‌توان بیان داشت جهت ارتقاء جایگاه مشارکت مردم در مدیریت شهری و مسایل بافت های فرسوده به طور قطع بایستی راهکارها را در دو سطوح کلان و خرد مورد بررسی قرارداد.

مهمترین نکته در سطوح کلان، تقویت جایگاه قانونی شورای شهر و ارتقاء آن از شورای شهرداری به شورای همه نهادها و سازمانها و گروههای دخیل در مدیریت توسعه شهر است؛ همچنین استفاده از رسانه های دیداری و شنیداری، روزنامه ها و ... برای افزایش میزان آگاهی مردم و مدیران شهری در خصوص اهمیت و ضرورت مشارکت شهروندان در اداره امور میتواند گامی مؤثر باشد. در سطوح خرد نیز، اعتقاد و الزام مدیران شهری به ارزش قائل شدن برای دیدگاههای شهروندان نکتهای کلیدی است که متأسفانه در اکثریت قریب به اتفاق مدیران شهری چنین چیزی صادق نیست و عمدتاً آنچه که مدنظر مدیران شهری است، مشارکتی شعاری، شاید محدود بوده و مشارکتی واقعی نباشد. تا زمانی که چنین اعتقادی در مدیران شهری ایجاد نشود، اعتمادی میان شهروند و مدیر شهری شکل نخواهد گرفت و هر دو طرف موضوع به مسئله مشارکت نگاهی ابزاری خواهند داشت. به دنبال ایجاد اعتقاد و اعتماد، میتوان از طریق ابزارها و فعالیت های تشویقی و قانونی به بهبود فرایند مشارکت کمک نمود. ابزارهایی چون نظرخواهی از شهروندان در مورد طرحها و برنامه های شهری، ایجاد نمایشگاه هایی با محوریت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، همکاری مدیریت شهری با آموزش و پرورش برای توسعه فعالیت های فرهنگی در خصوص مشارکت شهروند در مدیریت شهری از سنین کودکی و نوجوانی، استفاده از سیستم های اطلاع رسانی جدید مانند اینترنت و تلفن، شفاف سازی فعالیتهای سالانه مدیریت شهری در حوزههای مختلف عمرانی، مالی، برقراری ارتباطهای مستقیم میان شهروندان و مدیران شهری، تشویق و توسعه تشکل های مردم نهاد فعال در حوزه مدیریت شهری

-با افراد ساکن در محلات در احداث شبکه ای زیربنایی و تأسیسات زیرساختی و ارائه خدمات و امکانات مورد نیاز تشریک مساعی شود.

-به مشارکت و همکاری قشرهای مختلف در منطقه (اعم از فقیر، غنی، بیسواد و ...) درجهت بهسازی و نوسازی بافت فرسوده منطقه توجه شود.

-ایجاد هسته های مدیریت محلی جهت نهادینه کردن فرآیند برنامه ریزی و اطلاع رسانی مناسب به مردم ارائه گردد.

### • پیشنهادات در رابطه با خیابان ها و راههای دسترسی بافتهای فرسوده

-تعریض معابر کم عرض در بافت های فرسوده در صورت امکان در محدوده بافت های فرسوده

-تامین پارکینگ

-احداث و تامین فضاهای حرکت و سکون عابران پیاده

-کفسازی مبلمان مسیر های دسترسی

-زیبا سازی گذر ها و پیاده رو ها

-ایجاد دسترسی های لازم به شبکه معابر پیرامون بافت مسکونی

- تعریض کوچه های بافت های فرسوده شهر و امکان عدم ورود خود رو برای ساکنین و ارایه خدمات جمع آوری زباله و آتش نشانی و امدادو..... امکان پذیر نیست .

-توجه هر چه بیشتر برای اجرای نو سازی مسیر های آب ، که هنگام بارندگی موجب سیل گیری این محدوده می شود که باعث بسته شدن خیابان ها و ترافیک . به دلیل وارد شدن آب به مغازه ها موجب ضرر اقتصادی ساکنین این محدوده می شود .



طرح پیشنهادی طراحی شهری مرکز محله

### • پیشنهادات در رابطه با طراحی تجهیزات فضای شهری

-طراحی ساختمانها و طراحی فضاهای شهری باتمامی تسهیلات و تجهیزات محیط مناسبی برای زندگی و فعالیت های شهری می باشد پس طراحی ان بسیار اهمیت دارد.

-طراحی تیر برق نیمکت،تابلوهای علامت در نمای ساختمانها روشنایی و تمامی تجهیزات در مبلمان شهری دارای اهمیت است.

-طراحی سنگفرشها ،استفاده از مصالح و الگوهای روسازی برآرایی یک دست و هماهنگ یا سنگ فرش و پوشش کف و سطوح می تواند تاثیر وحدت بخشی در منظر خیابان ها داشته باشد.

-استفاده از الگوهاو نشان هاو نماد های شهری ،نقش های اشکار برای میدان های بزرگ یا میدان های رسمی ،گردشگاه ها ، پیاده رو های تنگ و باریک .

-استفاده از جدول های استاندارد برای ایمنی در خیابانهای درجه یا تا سه و خیابان های پر رفت امد.



طرح پیشنهادی طراحی تجهیزات شهری



الگوی پیشنهادی برای طراحی دسترسی معابر بافت مسکونی

## منابع:

۱. انصاری، حمید (۱۳۸۳) نظریه های مشارکت، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
۲. ازکیا، مصطفی و غالم رضا غفاری (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهر کاشان، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶۵.
۳. استراتژی انکشاف ملی افغانستان، (۱۳۸۶) ، استراتژی سکتور انکشاف شهری ۱۳۸۷ جلد دوم، رکن سوم - زیربنا، سلسله نشریات اداره انکشاف ملی افغانستان، کابل
۴. آئینی، محمد، (۱۳۸۶) موضوعات اقتصادی، مالی و مدیریتی بسطی و توسعه و نوآوری بافت های فرسوده شهری، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وزارت مسکن و شهر سازی ۱۳۸۶
۵. اوکلی، پیتر و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰) رهیافت های مشارکت در توسعه روستائی ترجمه منصور محمودزاده، تهران مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائی .
۶. بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساخوانی، تهران، کیهان
۷. بابانسیب، رسول و موسوی، چمران و محمدی، جمال، (۱۳۸۷) ، بررسی تجارب بهسازی و نوآوری بافت های فرسوده کشور از سال ۱۳۰۰ تاکنون.
۸. سعیدینیا، احمد (۱۳۸۳) کتاب سبز راهنمای شهرداری ها برای طراحی فضاها و مبلمان شهری، جلد دوازدهم، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاری های کشور
۹. شمعی، ع و پوراحمد، ک (۱۳۸۵) بهسازی و نوآوری شهری از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. شفیع نسب، سیدرضا و فرانک کلابی (۱۳۸۶) «بافت فرسوده و سیاست های بهبود کیفیت مسکن» نشریه ابادی، شماره ۵۵، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
۱۱. کلدی، علیرضا (۱۳۸۱) بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری، مطالعه ای در منطقه ۷ شهر تهران، فصلنامه جمعیت
۱۲. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵) بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، شماره ۱
۱۳. طالب، مهدی (۱۳۷۵) مدیریت روستائی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۴. نقدی، اسدالله (۱۳۸۲) انسان و شهر، درآمدی بر جامعه شناسی شهر، انتشارات فن آوران، همدان.
۱۵. ناظمی، الهام ۱۳۹۷، مقاله بررسی مفاهیم و مبانی نظری بافت فرسوده، نیمسال
۱۶. نوروزی شمس، محمد، ۱۳۸۷ ، طرح خانه به خانه رویکردی نوین به تملک در بافت های فرسوده، تهران، نشر ری پور.
۱۷. کردوانی، پرویز و موردغفاری، ونوس، ، ۱۳۹۰ توریسم و رویکرد نوآوری در طراحی تاریخی تباغ مطالعه موردی (شهر اصفهان) (مجله شهری ، فصلنامه علمی پژوهشی، سال هفتم، شماره : ، صص ۱۹-۳۱)